

معیار الاشعار، این اثر ناشناخته

ابوالحسن نجفی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

در شهریور ماه ۱۳۳۳ در مجله سخن، که به مدیریت دکتر پرویز ناتل خانلری در تهران چاپ می‌شد، شعر زیبایی از شاعر معاصر هوشنگ ابتهاج (سایه) با عنوان «ترانه» درج شده بود که ابیات آغاز آن چنین است:

تا تو با منی زمانه با من است	بخت و کام جاودانه با من است
تو بهار دلکشی و من چو باغ	شور و شوق صد جوانه با من است
یاد دلنشینیت ای امید جان	هرکجا روم روانه با من است
ناز نوشنخد صبح اگر تورا است	شور گریه شبانه با من است
برگ عیش و جام و چنگ اگر چه نیست	رقص و مستی و ترانه با من است

در نظر اول چنین می‌نمود که این شعر بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن یا فاعلات (بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور)، یعنی همان وزن معروف مثنوی مولوی باشد:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند

جز اینکه در این صورت می‌بایست تلفظ بعضی از کلمات را به تصنع تغییر داد، مثلاً در مصراع اول، «منی» را به تشدید حرف «نون» خواند، چنان که در همان زمان شنیده شد که در رادیو تهران، فضل‌الله مهتدی، معروف به صبحی، گوینده معروف برنامه کودکان، شعر را با همین تلفظ خوانده و بر آن ایراد گرفته بوده است. البته بیت دوم بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات» قابل خواندن بود، اما با رسیدن به بیت سوم و با حفظ همان وزن، تلفظ کلمات «دلنشینیت» و «روم» مخدوش و ناهنجار می‌شد و وزن بیت از سنت هزار ساله شعر فارسی بیرون می‌رفت و به همین ترتیب بقیه ابیات نیز معیوب می‌شد و

این البته از شاعر چیره دستی چون هوشنگ ابتهاج مستبعد و بلکه محال می نمود. البته وزن واقعی شعر این نیست، بلکه باید آن را بر وزن «فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ» خواند و خواننده عادی پس از اندکی کوشش می توانست به این وزن دست یابد. اتفاقاً خود هوشنگ ابتهاج زمانی به راقم این سطور گفت که تنها شعری که هنگام سرودن در وزن آن احساس اندکی دشواری می کرده و مواظب بوده که مبادا از قاعده خارج شود همین شعر بوده است.

در واقع دشواری وزن «ترانه» تازگی آن بوده که ظاهراً تا آن زمان در شعر فارسی سابقه نداشته است، زیرا نه در دواوین شعرای متقدم و نه ظاهراً در کتب عروض شعری یافت نمی شد که مبتنی بر تکرار پایه «فاعلاتُ» باشد. البته نام این پایه، که آن را از زحافات «فاعلاتن» و «مفعولات» می دانستند، در کتاب های عروض آمده است، اما همیشه همراه با پایه های دیگری مثل «مستعلنن» یا «مفتعلنن» یا «مفاعیلن» یا «مفعولن» و جز اینها به کار می رفته و هرگز به صورت مکرر نیامده بوده است.

«ترانه» به سرعت در زبانها افتاد و هوشنگ ابتهاج را نه تنها مبدع وزنی تازه بلکه خالق پایه جدید «فاعلاتُ» (به صورت مکرر) در شعر فارسی دانستند. «ترانه» به صورت «مسدس» است، یعنی پایه «فاعلاتُ» سه بار در هر مصراع آن تکرار می شود (البته با حذف هجای کوتاه در پایان هر مصراع). شاعران چندی به استقبال این وزن رفتند و آن را نه فقط به صورت مسدس بلکه به صورت مثنی (چهار «فاعلاتُ» در هر مصراع) و به صورت مربع (دو «فاعلاتُ» در هر مصراع) با تنوعی در زحافات پایه آخر (فاعلاتن/فاعلات/فع لن/فع) نیز به شعر در آوردند. از جمله پرویز ناتل خانلری که در کتاب تحقیق انتقادی در عروض فارسی، منتشر به سال ۱۳۲۷، وزنهاى مختلف شعر فارسی را از آغاز تا امروز با شیوه جدید طبقه بندی کرده است طبعاً ذکرى از این وزن نمی کند، اما در چاپ دوم همین کتاب با عنوان وزن شعر فارسی که در ۱۳۳۷ منتشر شده است مثنی همین وزن را با بیت زیر آورده که مسلماً خود مؤلف آن را سروده ولی با علامت سؤال (یعنی شاعر نامعلوم!) مشخص کرده است:

شب بر آسمان چو غنچه ستارگان شکفت شد خیال روی یارمن شکفته از نهفت^۱

بعضی از محققان که در صدد برآمدن تا سابقه وزن این شعر را در آثار گذشتگان پیدا

کنند یا چیزی به دست نیاوردند و یا به حدس و گمان دست یازیدند، چنان که یکی از این پژوهندگان در جایی نوشت که مطمئناً این وزن را در سالهای پیش در اشعار تعزیه خوانان شنیده ولی چون آن را ثبت نکرده از یاد برده است. به هر حال سندی به دست داده نشد که نمونه‌ای از این وزن در آن ثبت شده باشد.^۲ معروف‌ترین کتاب عروض، یعنی المعجم فی معایر اشعار المعجم، اثر شمس‌الدین محمد بن قیس رازی، که در اوایل قرن هفتم هجری تألیف شده است، ذکری از این وزن نمی‌کند و دنباله روان شمس قیس نیز، یعنی تقریباً همه کسانی که از قرن هفتم تا قرن حاضر کتاب یا رساله‌ای در عروض سنتی نوشته‌اند، چه در ایران و چه در کشورهای همجوار (هند و پاکستان و افغانستان و تاجیکستان و ترکیه)، مطلقاً متعرض این وزن نشده‌اند.^۳ جای تعجب است که چرا هیچ یک از این مؤلفان و محققان کتاب معیار الاشعار اثر خواجه نصیر طوسی را که با همه خردی از جامع‌ترین و دقیق‌ترین و علمی‌ترین کتاب‌های عروض فارسی است مورد توجه قرار نداده‌اند و الا در آنجا، در آخر فصل سوم از فن اول، مصرحاً شاهدهی بر این وزن می‌یافتند:

آنچه از بتم به روی من رسید هیچ آفریده در جهان ندید

بر وزن «فاعلات فاعلات فاعلات» که دقیقاً همان وزن «ترانه» ه. ا. سایه است و خواجه نصیر آن را «رمل مکفوف» می‌نامد.

در عروض سنتی، علمی‌ترین و دقیق‌ترین کتابی که تا کنون به فارسی نوشته شده است بی شک همین رساله کوچک معیار الاشعار است که همیشه به ناحق تحت الشعاع المعجم شمس قیس قرار داشته است. تا جایی که نگارنده پرسیده و شنیده است، تا کنون در دانشگاه‌های ایران هیچ استاد ادبیاتی معیار الاشعار را مبنای درس عروض خود قرار نداده است. کسانی که به عروض سنتی علاقه‌مندند با مراجعه به این کتاب نکات

۲. نگارنده به یاد دارد که در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ که در دبستان تحصیل می‌کرده سرودی را که در وصف پرچم سه رنگ ایران بوده شنیده است و اکنون یکی از ابیات آن را که بر وزن «فاعلات فاعلات فاعلات فاع» است به یاد می‌آورد:

سرخ‌یات نشانه‌ای ز خون سرخ ماست وز سپیدی‌ات سپید ساحت جم است

۳. حتی در کتاب فرهنگ عروضی، تألیف دکتر سیروس شمیسا (چاپ تهران، ۱۳۷۰)، که شامل همه اصطلاحات عروضی خاصه افاعیل مستعمل در اوزان سنتی شعر فارسی از آغاز تا امروز است، نامی از این وزن برده نشده است.

تازه‌ای می‌توانند بیابند که در هیچ کتاب دیگر نیامده است.^۴

جای تأسف است که هنوز چاپ انتقادی معتبری از این رساله در دست نیست. قدیم‌ترین نسخه چاپی آن یک چاپ سنگی است که به سعی نجم الدوله در سال ۱۳۲۰ هجری قمری در تهران صورت گرفته و نسخه‌ای سخت مغلوط است. تنها نسخه نسبتاً معتبر آن چاپی عکسی است که از روی نسخه مکتوب به سال ۷۰۲ و محفوظ در یکی از کتابخانه‌های ترکیه به اهتمام محمد فشارکی و جمشید مظاهری از روی نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران انجام گرفته و در ۱۳۶۳ توسط انتشارات سهروردی اصفهان منتشر شده است، ولی به سبب بدی چاپ و ناخوانایی بعضی سطور و بعضی صفحات و خط نامأنوس آن متأسفانه برای همه کس قابل استفاده نیست. یکی دو چاپ جدید با حروف سریبی از روی همین چاپ صورت گرفته است که به سبب غلط‌خوانی به هیچ وجه قابل اعتبار نیست. نسخه‌های خطی دیگری از این رساله در کتابخانه‌های جهان می‌توان یافت که با امکانات کنونی دسترسی به آنها چندان دشوار نیست. جای آن است که محقق‌های همت‌براین کار ارجمند گمارد و چاپ انتقادی قابل قبولی از آن به دست دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴. برای اطلاع یافتن از بعضی امتیازات این رساله، رجوع شود به دکتر محمد فشارکی «ابداعات خواجه نصیر در زحافات عروضی»، در دانشمندطوس، مجموعه مقالات گردهمایی علم و فلسفه در آثار خواجه نصیر طوسی، به کوشش نصرالله پورجوادی و ژبوا وسل، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۵۷-۷۰. و نیز به مقاله «ابتکارات خواجه نصیر در عروض و فنون شعری» در همین شماره فرهنگ.